■ امام موسی صدر با معرفی مفهوم «مجتمع مقاوم» به ما یادآور شد «مقاومت» نه‌تنها باید در برابر تهدیدهای نظامی، بلکه باید در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و آموزشی نیز مقاوم‌سازی شود و امروز، این شبکه مقاومت را باید به یک «تمدن مقاوم» یا «بلوک مقاوم» ارتقا دهیم تا در برابر انواع تهدیدها پایدار بماند

سیدجواد میری در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره میراث فرهنگی و فلسفی مقاومت مطرح کرد

محور مقاومت؛ محور تمدنی

■ محور مقاومت میراث فرهنگی، علمی و فلسفی دارد

■ محور مقاومت نباید تنها به بعد نظامی و امنیتی محدود شود

مصطفی نصری: سیدجواد میری، جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «وطن امروز» به بررسی روابط فرهنگی و تاریخی ایران و کشورهای همسایه پرداخت و بر اهمیت شناخت این روابط در ابعاد اجتماعی و سیاسی تأکید کرد. میری بر این باور است که محور مقاومت، صرفا پدیده‌ای امنیتی یا سیاسی نیست، بلکه به عنوان یک سنت فکری و عمیق شناخته می‌شود. وی مفهوم «مجتمع مقاوم» را که امام موسی صدر مطرح کرده به عنوان الگویی برای پیوندهای فرهنگی معرفی کرد و گفت نیاز به بازنگری در ساختارها و ظرفیت‌های جدید داریم تا روابط عمیق‌تری میان کشورهای اسلامی ایجاد کنیم.

■ برای حفظ مفهوم مقاومت باید شبکه‌هایی فراتر از ابعاد نظامی ایجاد کنیم

این جامعه‌شناس در ابتدا با اشاره به تجربه شخصی‌اش در سفر به باکو در سال گذشته، نکاتی را مطرح کرد. میری در آغاز صحبت‌هایش گفت: «سال گذشته برای شرکت در برنامه‌ای به باکو دعوت شدم. حدود ۹۲ یا ۹۳ درصد جمعیت جمهوری آذربایجان شیعه هستند، این نکته قابل توجهی است. این مناطق در گذشته به طور ارگانیک و متصل به ایران تعلق داشتند و بخشی از قلمرو سلسله‌های قاجار، افشاریه و صفویه محسوب می‌شدند». در ادامه، وی به پرسش یکی از برگزارکنندگان برنامه در باکو اشاره کرد که از او پرسیده بود: «واقعا ایران امروز چه چیزی برای ما دارد که ارائه دهد؟ ما هم می‌خواهیم زندگی کنیم. اتحادیه اروپایی، ترکیه و حتی آمریکا و چین، هر کدام ارزش‌ها و فرهنگ خود را به همراه می‌آورند و ما باید فکر کنیم ایران چه چیزی برای ارائه دارد». وی همچنین به تاریخچه ایروان اشاره کرد و گفت: «ایروان که امروزه به عنوان پایتخت ارمنستان شناخته می‌شود، زمانی مرکز مهمی برای تشیع بوده و بسیاری از علما در قم و نجف پسوند فامیلی «ایروانی» دارند اما در حال حاضر تنها یک مسجد به نام «مسجد کبود» از آن بافت تاریخی باقی مانده است». میری به سفر سید زین‌العابدین شیروانی، عالم شیعه قرن هجدهم اشاره کرد و گفت: «او در سفرنامه‌اش نشان داده که ما با مناطق مختلف جهان اسلام عقبه فرهنگی و مذهبی مشترکی داریم». میری همچنین بر اهمیت ایجاد روابط فرهنگی و اجتماعی عمیق‌تر میان ایران و کشورهای همسایه تأکید کرد و افزود: «برای تقویت محور مقاومت، نیاز به بازنگری در ساختارها و ایجاد ظرفیت‌های جدید داریم که بتواند به تبادل‌های فرهنگی و آکادمیک منجر شود. برای خودم هم یک سوال است. ما در فلسطین حضور داریم، در لبنان، سوریه، عراق و یمن هم هستیم. هر جای دنیا، به نام مقاومت، حضوری داریم. ما می‌گوییم که یک الگوی مقاومت ایجاد کرده‌ایم اما این الگو باید شبکه‌های دیگری هم داشته باشد. اگر می‌خواهیم مقاومت را حفظ کنیم، آیا این مقاومت باید فقط نظامی و امنیتی باشد؟ یا اینکه باید فضاهای دیگری هم برای آن ایجاد شود؟»

■ مفهوم «مجتمع مقاوم» باید به عنوان الگویی برای ایجاد پیوندهای فرهنگی به کار گرفته شود

سیدجواد میری در ادامه بحث خود به مفهوم «مجتمع مقاوم» که توسط امام موسی صدر مطرح شده، اشاره کرد و به تحلیل تاریخی این مفهوم و تأثیر آن در جهان اسلام پرداخت. میری در این باره گفت: «حدود سال ۱۹۶۰، پس از مشورتی که سیدشرف‌الدین با آیت‌الله بروجردی انجام داد، امام موسی صدر به عنوان نماینده به لبنان فرستاده شد». او با اشاره به نقش آیت‌الله بروجردی در ساماندهی تشکیلات حوزه علمیه و ارتباطات خارجی آن، تأکید کرد که این اقدام با هدف بازسازی تشیع در سطح جهانی و نگاهی تقریبی به جهان اسلام انجام شد. وی افزود: «نگاه تقریبی آیت‌الله بروجردی باعث شد افرادی مانند شیخ شلتوت از دانشگاه الازهر مصر به ایران بیایند و بگویند که ما اصلا تصور نمی‌کردیم تشیع چنین باشد؛ در حالی که آنچه فکر می‌کردیم، بسیار متفاوت بود».

این رویکرد به جهان اسلام و تأکید بر تقریب مذاهب به عنوان یک اولویت، نشان‌دهنده عمق اندیشه و سیاست‌های آیت‌الله بروجردی بود. میری به مثال دیگری اشاره کرد و گفت: «آیت‌الله بروجردی، فرزند موسس حوزه علمیه قم، شیخ عبدالکریم حائری، یعنی پروفسور مهدی حائری را به عنوان نماینده تشیع به آمریکا فرستاد. او یکی از علمای بزرگ و از شاگردان آیت‌الله خمینی بود که در آنجا فلسفه را تا مقطع دکترا خواند و تز دکترای خود را در زمینه اپیستمولوژی یا همان معرفت‌شناسی نوشت». وی ادامه داد: «امام موسی صدر که نماینده آیت‌الله بروجردی در لبنان شد، شخصیت برجسته‌ای بود و در حوزه علمیه و بین مردم مناطق شیعه‌نشین احترام خاصی داشت. او با نگاهی تقریبی به جهان اسلام، به‌خوبی جریان‌های اسلامی را می‌شناخت».

میری همچنین به شرایط سیاسی و اجتماعی لبنان در زمان امام موسی صدر اشاره کرد و گفت: «جهان در آن زمان در دوره‌ای قرار داشت که دو ایدئولوژی بزرگ، یعنی کاپیتالیسم و سوسیالیسم - کمونیسم، در حال رقابت بودند. این رقابت بر سیاست و ساختار قدرت در لبنان تأثیر گذاشته بود. در این میان، تکنوکرات‌ها و لبنانی‌هایی که به دنبال قدرت بودند، برای تحصیل به کشورهای غربی می‌رفتند و پس از بازگشت در ساختار قدرت گمارده می‌شدند». او افزود: «در مقابل، کسانی که به گفتمان ضدسرمایه‌داری معتقد بودند، به کمونیسم گرایش پیدا می‌کردند. این رقابت‌ها و تنش‌ها، نیاز به یک رویکرد مقاوم و وحدت‌بخش در جامعه را آشکار می‌کرد که امام موسی صدر با مفهوم «مجتمع مقاوم» به آن پرداخته است». میری با اشاره به اینکه این مفهوم می‌تواند به عنوان یک الگوی اجتماعی و فرهنگی برای تقویت پیوندهای میان شیعیان در سطح جهانی مورد استفاده قرار گیرد، تأکید کرد: «برای تحقق این هدف، نیاز به یک بازنگری در ساختارهای اجتماعی و سیاسی داریم تا بتوانیم ظرفیت‌های موجود را بالفعل کنیم و به سمت یک مقاومت فرهنگی و اجتماعی پایدار حرکت کنیم».

■ شبکه مقاومت را باید به یک «بلوک مقاوم» ارتقا دهیم

این جامعه‌شناس در ادامه با اشاره به چالش‌های اجتماعی و اقتصادی شیعیان لبنان در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی، از اقدامات امام موسی صدر برای تقویت جایگاه این جامعه یاد کرد. به گفته میری، در آن زمان، شیعیان لبنان از نظر درآمد، سطح سواد و موقعیت اجتماعی در مقایسه با مسیحیان مارونی و اهل سنت در وضعیت ضعیفی به سر می‌بردند و همین موضوع موجب شد بخش قابل‌توجهی از آنان به ایدئولوژی‌های جهانی مانند کمونیسم رو آورند. میری توضیح داد که در چنین شرایطی، امام موسی صدر وارد لبنان شد و با تأسیس «حرکت المحرومین» تلاش کرد موقعیت اجتماعی و اقتصادی شیعیان را ارتقا دهد و آنان را به جای کمک‌های مالی مستقیم، به سمت استقلال اقتصادی و اشتغال پایدار هدایت کند. او افزود: «امام موسی صدر کارگاه‌های فنی و حرفه‌ای و آموزش فرش‌بافی را راه‌اندازی کرد تا به جوانان مهارت‌های شغلی بیاموزد و به آنها استقلال مالی ببخشد». همزمان با این تلاش‌ها، اسرائیل نیز هجمه‌های خود را علیه لبنان شدت بخشیده بود. میری با اشاره به این تهدیدات افزود: «امام موسی صدر برای تقویت مقاومت، مجمعی به نام «مجلس اعلای شیعه» تأسیس کرد تا شیعیان لبنان را در زمینه‌های نظامی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تقویت کند و آنها را به نیرویی تأثیرگذار در جامعه لبنان تبدیل کند». میری در ادامه به مفهوم «مجتمع مقاوم» که توسط امام موسی صدر مطرح شده اشاره کرد و توضیح داد که این مفهوم، دیگر نباید به حوزه‌های طایفه‌ای محدود شود. او تأکید کرد: «امروزه مقاومت باید در سطحی تمدنی و در شبکه‌ای گسترده‌تر دیده شود گستره‌ای تمدنی که از فلسطین و لبنان گرفته تا ایران، سوریه، عراق، قفقاز و حاشیه جنوبی خلیج‌فارس را شامل می‌شود و ایران را به عنوان «ام‌القرای شیعه» به مرکز این تمدن مقاوم تبدیل کرده است». میری در ادامه گفت که امام موسی صدر با معرفی این مفهوم به ما یادآور شد «مقاومت» باید نه‌تنها در برابر تهدیدهای نظامی، بلکه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و آموزشی نیز مقاوم‌سازی شود و امروز، این شبکه مقاومت را باید به یک «تمدن مقاوم» یا «بلوک مقاوم» ارتقا دهیم تا در برابر انواع تهدیدها پایدار بماند.

> **محور مقاومت، نباید تنها به بعد نظامی و امنیتی آن محدود شود. لازم است این رابطه به سطحی تاریخی‌تر و فرهنگی‌تر ارتقا یابد، چرا که محور مقاومت، صرفا پدیده‌ای امنیتی یا سیاسی نیست، بلکه به عنوان یک سنت فکری و عمیق شناخته می‌شود**

■ حضور ایران در منطقه یک سنت فکری است نه نظامی

سیدجواد میری در ادامه با اشاره به دیداری‌اش با سهیل اسعد، فعال فرهنگی لبنانی‌تبار، از نگرانی‌هایی درباره پیوند عمیق‌تر میان ایران و جبهه مقاومت گفت. به گفته اسعد، مردم لبنان، حتی طرفداران حزب‌الله و هواداران ایران، سوالاتی درباره رویکردهای غیرنظامی ایران داشتند؛ آنها می‌پرسیدند آیا ایران فراتر از موشک و تسلیحات، چیزی برای ارائه به آنها دارد؟ این بیانگر یک دغدغه عمیق‌تر است که نشان می‌دهد محور مقاومت، نباید تنها به بعد نظامی و امنیتی آن محدود شود. میری بر این باور است که لازم است این رابطه به سطحی تاریخی‌تر و فرهنگی‌تر ارتقا یابد، چرا که محور مقاومت، صرفا پدیده‌ای امنیتی یا سیاسی نیست، بلکه به عنوان یک سنت فکری و عمیق شناخته می‌شود. او تأکید کرد که این مفهوم را باید در مدارس، دانشگاه‌ها و جامعه رواج داد، زیرا محور مقاومت میراثی فرهنگی، علمی و فلسفی دارد که به مرور در جامعه شکل گرفته و به نسل‌های بعد منتقل می‌شود. میری در ادامه خاطره‌ای از کنفرانس «تفکر اجتماعی در جهان اسلام» در دانشگاه آمریکایی بیروت نقل کرد: «در این کنفرانس جمعیتی متنوع از کشورهای مختلف حضور داشتند. در این جمع، شیخ شفیق جراح، یکی از علمای مهم و آگاه در فلسفه و کلام، سخنرانی کرد. او به گونه‌ای عمیق و مستند از متفکران ایرانی نام برد و آنهارا استادنا خطاب می‌کرد، از ابوعلی سینا و شیخ طوسی گرفته تا سهروردی و ملاصدرا. او به نحوی صحبت می‌کرد که انگار نه انگار این شخصیت‌ها کیلومترها دورتر در ایران هستند، بلکه انگار در درون او حضور دارند. صحبت‌های او نشان‌دهنده عمق و وسعت سنت فکری موجود در تاریخ اسلام بود. من آن زمان، در حال گوش دادن به سخنان او و همزمان نگاه کردن به دریای مدیترانه بودم و این تصویر باعث شد به این فکر کنم که این متفکران تاریخی فقط در ایران یا کشورهای خاصی نیستند، بلکه اندیشه‌های‌شان بخشی از یک سنت بزرگ‌تر هستند که شامل ما، لبنان، عراق و سایر مناطق شیعه‌نشین می‌شود». میری خاطرنشان کرد که این حضور ایران در لبنان یا عراق، فقط به بعد نظامی خلاصه نمی‌شود، بلکه در واقع یک سنت فکری است که ۱۵۰۰ سال در حال گسترش و تعمیق بوده و این محور مقاومت بر پایه اندیشه‌هایی تاریخی استوار است. او افزود: «در صورت عدم انتقال این مفاهیم به جامعه و عدم بحث و گفت‌وگو در حوزه عمومی درباره آنها، در جنگ فکری باخته‌ایم».

■ پیوندهای تاریخی، پایه اساسی استحکام محور مقاومت

سیدجواد میری همچنین با اشاره به اهمیت سنت فکری در محور مقاومت، تأکید می‌کند که این جریان نباید تنها به ابعاد نظامی و سیاسی محدود شود. او معتقد است محور مقاومت به عنوان یک شبکه وسیع از اندیشه‌ها و تجارب تاریخی و فرهنگی، بذر اصلی آن «درخت حکمت، فلسفه و عرفان» است که باید با دقت بیشتری مورد توجه قرار گیرد و به نسل‌های آینده منتقل شود. میری بیان می‌کند که ارتباط عمیق تاریخی میان ایران و کشورهای عضو محور مقاومت، آنها را به هم پیوند داده است و این پیوند تنها به مسائل سیاسی و امنیتی ختم نمی‌شود. او معتقد است درک و شناخت این سابقه تاریخی می‌تواند به حفظ هویت فرهنگی و اجتماعی این ملت‌ها کمک کند. به عنوان نمونه، وی به شیخ کرکی از جبل عامل اشاره می‌کند که در دوران صفویه به ایران آمد و این سفر نه برای پول، بلکه به خاطر پیوندهای فکری و سنتی بود که در آن زمان ایجاد شده بود. وی همچنین تأکید می‌کند که این پیوندها تنها در جغرافیای مشترک محقق شده و در کشورهای غربی مانند آلمان، ایجاد چنین محور مقاومتی، به‌خاطر نبود تاریخ و فرهنگی عمیق مشترک، بسیار دشوار است. هرچند تبادل فرهنگی می‌تواند رخ دهد اما آن هم‌افزایی عمیق که محور مقاومت را به یک هویت قدرتمند تبدیل کرده است، نیازمند ریشه‌های تاریخی طولانی‌مدت است که در مناطقی چون لبنان، عراق، سوریه و مدیترانه وجود دارد. میری معتقد است به جای تمرکز صرف بر جنبه‌های نظامی و امنیتی، باید به جنبه‌های فکری، فرهنگی و عرفانی نیز توجه کرد و اینها را به‌طور عمیق در جامعه مورد بررسی قرار داد تا محور مقاومت نه‌تنها از نظر نظامی، بلکه به عنوان یک سنت فکری گسترده، مستحکم‌تر شود.

■ ضرورت تحول در فهم اقتصاد و روابط اجتماعی برای دستیابی به تمدن مقاوم

به باور سیدجواد میری، برای دستیابی به تمدن مقاوم و ارتقای «مجتمع مقاوم» به «محور مقاوم» لازم است تا از نگاه ساده‌انگارانه به اقتصاد فراتر رفته و به بنیان‌های مفهومی و فرهنگی آن بپردازیم. وی تأکید دارد پیش از هر چیز، باید درک درستی از ماهیت و عالمیت جهان مدرن داشت. میری با اشاره به ویژگی‌های «عالمیت جدید» بیان می‌کند که این جهان نه بر مبنای فناوری‌ها و دستاوردهای نظامی، بلکه بر اساس انسان اقتصادی (هوموا‌کونومیکوس) شکل گرفته است؛ انسانی که ارزش اصلی‌اش سود و منافع مالی است. وی در ادامه توضیح می‌دهد که برای ایجاد یک تمدن مقاوم، باید به پرورش «انسان دینی» (هومو رلیگیوس) بپردازیم؛ انسانی که به‌جای تمرکز بر سود شخصی، ارزش خود را بر پایه خیر و انفاق می‌گذارد؛ امری که قرآن کریم نیز به آن توصیه کرده است. در این شرایط، دکتر میری معتقد است روابط میان انسان‌ها دچار بیگانگی شده و بر مبنای تبادل مالی و روابط نقدی، مورد اشاره کارل مارکس، شکل گرفته است. وی اشاره می‌کند که این نوع روابط نقدی، از صرفا رابطه کارگر و کارفرما فراتر رفته و اکنون تمام روابط انسانی را در بر گرفته و باعث ایجاد بیگانگی و دوری انسان‌ها از یکدیگر شده است. میری بر این نکته تأکید دارد که این تحول در روابط اجتماعی تنها از طریق بازنگری در مفاهیم اقتصادی و تشویق به تأمل و تفکر عمیق درباره مسائل، امکان‌پذیر خواهد بود. به اعتقاد وی، محور مقاومت باید به‌جای تمرکز صرف بر ابعاد نظامی و امنیتی، به ابعاد اقتصادی و فرهنگی خود توجه کند تا به پایداری و ثبات لازم دست یابد و به سطحی تمدنی برسد.

■ پروژه فکری علامه جعفری و علامه طباطبایی و ضرورت تحول در نگرش به جمهوری اسلامی

در ادامه گفت‌وگو با سیدجواد میری موضوع پروژه‌ای که علامه محمد تقی جعفری و علامه طباطبایی در پی آن بودند، مورد بررسی قرار گرفت. میری به سکوت خبری این پروژه اشاره کرد و گفت: «این پروژه در سکوت کامل خبری بود و دستاوردهای آن امروز به شکل متون موجود است اما کمتر کسی به این متون مراجعه کرده و از خود پرسیده که این افراد چه می‌گفتند. آیا آنها بحث سیاسی می‌کردند؟ آیا بحث ایدئولوژیک را دنبال می‌کردند؟ یا به تقابل با جمهوری اسلامی می‌پرداختند؟ بحث آنها این بود که اگر جمهوری اسلامی به عنوان یک سنت فکری، که برآمده از یک سنت حکمت و حکومت حکمی است، بخواهد ارتقا پیدا کند و تبدیل به یک عالمیت بشود، به چه چیزهایی نیاز دارد؟» میری در ادامه افزود: «بزرگ‌ترین دستاوردی که امروز در تمام رسانه‌ها و اخبار مطرح می‌شود، بحث معرفت دینی است. این معرفت دینی یعنی چه؟ بر اساس خوانشی که علامه جعفری از معرفت دینی دارد، این معرفت دینی چیزی نیست که امروز در دسترس ما باشد. اگر شما می‌گویید ما چگونه می‌توانیم با آن مقابله کنیم، این فقط یک عالمیت است. این فقط یک ایدئولوژی نیست، این فقط یک امر سیاسی نیست. نتانیاهو یا بایدن فقط بخشی از این عالمیت هستند. ما حداقل در حوزه نظر هم عالمیت خود را تعریف نکردیم. فکر می‌کنیم جمهوری اسلامی فقط یک نظام سیاسی است».

> **امروزه مقاومت باید در سطحی تمدنی و در شبکه‌ای گسترده‌تر دیده شود؛ گستره‌ای تمدنی که از فلسطین و لبنان گرفته تا ایران، سوریه، عراق و قفقاز را شامل می‌شود و ایران را به عنوان «ام‌القرای شیعه» به مرکز این تمدن مقاوم تبدیل کرده است**

میری با تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی باید به یک عالمیت تبدیل شود، ادامه داد: «اگر جمهوری اسلامی بخواهد به یک عالمیت تبدیل شود، هیچ راهی ندارد جز اینکه به آن ساحت آنتولوژیکال برگردد و آنجا اول بسط پیدا کند. باید ساخت پارادایم‌ها مشخص باشد».

■ مشکل امنیتی اسرائیل با کنار رفتن ایران حل نمی‌شود

در ادامه گفت‌وگو با دکتر سیدجواد میری، وی به چالش‌های آمریکا در منطقه و امکان‌ناپذیری پروژه‌های آنان در قالب ادعای نظم جدید اشاره کرد. میری در این زمینه گفت: «اصلا بیایید فرض بکنیم پروژه تغییر خاورمیانه از طرف آمریکا با کمک اسرائیل در منطقه انجام شود، یعنی عملا این اتفاق بیفتد. حالا ما چه می‌شویم؟ آیا ما مثلا در کنج قرار می‌گیریم یا حتی اینکه آنها بخواهند به سمت تغییر نظام بروند؟» وی به این نکته تأکید کرد که «اگر ما هم رفتیم کنار، یعنی ما به عنوان ایران و جمهوری اسلامی رفتیم کنار، آیا مشکل منطقه حل می‌شود؟» میری با استناد به تاریخ، به دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ میلادی اشاره کرد و گفت: « ایران با اسرائیل مشکلی نداشت؛ حتی می‌گفتند ایران، ژاندارم آمریکاست. خب! چه کسانی با اسرائیل مشکل داشتند؟ مصر، سوریه و عراق. تکلیف آنها چه شد؟ مصر تبدیل شد به مستعمره اسرائیل و آمریکا. سوریه هم که در وضعیت اشغال قرار گرفت، جولان و دیگر مناطق از مدار مبارزه کنار رفتند. عراق هم که سال ۲۰۰۳ تکلیفش مشخص شد. حتی لیبی هم که تکلیفش مشخص شد». وی افزود: «حالا تصور کنید ایران از این فضا بیرون برود. اگر زیرکی به خرج دهد و با سیاست و کیاست، بتواند از این پیچ عبور کند و خود را از این صحنه کنار بکشد، یا با همان زور و قدرت و نظام سرمایه‌داری و سلطه، ایران هم کنار برود، سوال اینجاست که تکلیف چه می‌شود؟ آیا در این صورت جنگ در منطقه تمام می‌شود؟ آیا اسرائیل سر جای خودش باقی می‌ماند و آمریکا و اتحادیه اروپایی تمام‌قد پشت آن قرار می‌گیرند؟ به نظر من، ۳ کشور دیگر در اینجا باقی می‌مانند، یکی ترکیه، یکی قزاقستان و دیگری پاکستان. این ۳ کشور، اولا کشورهای اکثریت سنی‌نشین هستند یا حداقل وجهه سنی دارند، برخلاف ایران. هر سه آنها رابطه خاصی با آمریکا دارند. عربستان رابطه ویژه‌ای با آمریکا دارد و یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان است. ترکیه که کشور سنی‌نشین است، رابطه ویژه‌ای با آمریکا دارد و در ناتو هم هست. این در حالی است که ایران چنین رابطه‌ای با آمریکا ندارد. پاکستان هم کشوری با اکثریت اهل تسنن است و رابطه ویژه‌ای با آمریکا دارد و بمب اتم هم دارد، در حالی که ایران آن را ندارد. آیا این ۳ کشور قبول می‌کنند که اسرائیل تنها هژمون منطقه باشد؟ بنابراین یقینا چالش‌های بعدی با ترکیه، پاکستان و عربستان خواهد بود».

■ تلاش اسرائیل برای تبدیل شدن به هژمون منطقه چگونه قابل مهار است؟

میری در ادامه به بررسی دلایل تلاش اسرائیل برای دستیابی به هژمونی در منطقه و ضرورت تحول در محور مقاومت پرداخت. وی در این زمینه به نقش جبر جغرافیا در تعیین قدرت و تأثیر آن بر سیاست‌های کشورهای مختلف اشاره کرد و گفت: «چرا اسرائیل می‌خواهد هژمون باشد؟ جغرافیا یک جبری دارد که نمی‌توان از آن رها شد. فرقی نمی‌کند که شاه باشد یا فرد دیگری. نادرشاه می‌آید، شاه اسماعیل می‌آید، هلاکوخان می‌آید؛ هر کسی می‌آید و در این خاک می‌نشیند. احساس قدرت می‌کند، زیرا یک سمتش به دریای سیاه وصل می‌شود و سمت دیگرش به اقیانوس هند».

این جامعه‌شناس با اشاره به وضعیت جغرافیایی اسرائیل اظهار کرد: «اسرائیل یک جغرافیای کوچک و نامطمئنی دارد و عمق استراتژیک ندارد، بنابراین باید تبدیل به یک نیروی نظامی یا یک حکومت نظامی دائمی شود. اسرائیل برای حفظ قدرت خود نیاز دارد به قدرت‌های دیگر فشار بیاورد».

این جامعه‌شناس به ضرورت تحولات در محور مقاومت اشاره کرد و گفت: «سوال این است که ما در این وضعیت باید چه کار بکنیم؟ یکی از بخش‌ها دانشگاه‌ها هستند و اهل فکر و نظر. اگر بخواهیم محور مقاومت، محوری درونی برای مردم این منطقه باشد، باید سازوکارهایی تعریف کنیم».

میری به طرح تبادل دانشجو به عنوان یک سازوکار موثر اشاره کرد و گفت: «مثل برنامه اراسموس در اروپا، می‌تواند تبادل دانشجو مد نظر ما باشد. در این برنامه، دانشجویان سوئدی به انگلیس می‌رفتند، انگلیسی‌ها به آلمان و آلمانی‌ها به فرانسه. در این فرآیند، زبان یکدیگر را یاد می‌گرفتند. ما ۴۵ سال است که محور مقاومت را ایجاد کرده‌ایم ولی آیا توانسته‌ایم در مدارس، عربی یاد دهیم یا فارسی به آنها آموزش دهیم؟ باید سیستم آموزشی را تغییر دهیم. روش‌های نوین آموزش زبان وجود دارد که می‌توانید از آنها بهره بگیرید».

وی همچنین به لزوم توجه به تفکر نظامی و حکمی اشاره کرد و گفت: «این دو را نباید با هم اشتباه گرفت. ما در ۴۵ سال اخیر متوجه شده‌ایم که جنگ شدت یافته و فهم ما از محور مقاومت نظامی شده است که این فهم نیازمند بازنگری است. اگر آدم‌های درستی را به کار بگیریم، می‌توانیم از این شرایط عبور کنیم».

■ برای تبدیل محور مقاومت به محور تمدنی باید ساختارهای‌مان را رشد دهیم

سیدجواد میری در ادامه به بررسی چگونگی پیوند مفهوم مجتمع مقاوم با سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی پرداخت. وی در این زمینه به تاریخچه تبادلات آکادمیک و حوزوی اشاره کرد و گفت: «یکی از این پیوندها، حوزه آموزش و تبادلات آکادمیک و حوزوی است که به صورت تاریخی وجود داشته است».

میری همچنین به مشکلات ادغام مهاجران در جامعه اشاره کرد و گفت: «فردی که از افغانستان به ایران آمده، اگر ۴۰ یا ۵۰ سال پیش به اینجا آمده، همچنان به او مهاجر گفته می‌شود، به دلیل عدم تعریف سازوکارهای قانونی، او هنوز کارت بانکی ندارد و نتوانسته به‌طور کامل در جامعه ادغام شود. اگر همان فرد در سوئد باشد، پس از ۵ سال می‌تواند شهروند آنجا شود و تمام حق و حقوق آن جامعه را داشته باشد. این به این معناست که ارتباط عاطفی و اجتماعی ایجاد می‌شود». این جامعه‌شناس از ناکافی بودن ساختارهای فعلی انتقاد کرد: «سوالی که پیش می‌آید این است که ما تا چه حد توانسته‌ایم در این سیستم بازنگری کنیم؟ اگر می‌خواهیم محور مقاوم به یک محور تمدنی تبدیل شود، باید ساختارها و نهادهای‌مان نیز به اندازه آن رشد کنند. واقعیت این است که این رشد حاصل نشده و قوانین، قواعد و ساختارهای حقوقی اجازه ایجاد چنین تغییراتی را نمی‌دهند.

■ تنوع در فهم مقاومت ظرفیت فکری آن را بسط می‌دهد

وی در پاسخ به این سوال که تنوع در فهم مقاومت در جوامع منطقه شکاف‌زاست یا به غنای این مفهوم کمک می‌کند، به ظرفیت تنوع در عالم هستی و آموزه‌های دینی اشاره کرد و گفت: «چیزی که این عالم، یعنی عالم وجود، به ما یاد می‌دهد ظرفیت تنوع است. یکی از نشانه‌های آیات خداوند نیز همین تنوع و تکثر در عالم است». میری با اشاره به آیات قرآن درباره تنوع قبایل گفت: «این تنوع و تکثر به‌عنوان ابزارهای معرفت مطرح شده‌اند. اگر من، به عنوان سیدجواد، خوانش متفاوت یا متنوعی از خوانش‌های رسمی داشته باشم، نباید این را به عنوان یک امر تضادآمیز تلقی کنیم. این یک امکان و ظرفیت است. هر فکری در هر دوره تاریخی نمی‌تواند تمام ظرفیت‌های بالقوه‌اش را بالفعل کند اما اگر حتی یک درصد حقیقت یا امکان در حرف من یا در تفسیر من از محور مقاومت وجود داشته باشد، باید از آن استفاده کرده و ظرفیت را عمیق‌تر و بسط دهیم». میری در پایان نقش شهید مصطفی چمران در سازمان‌دهی نیروهای چریکی جنوب لبنان را یادآوری کرد و گفت: «شهید مصطفی چمران در دهه ۶۰ یا ۷۰ میلادی به لبنان رفت و کتابی به نام «لبنان» نوشت. جالب است که چمران، یک فیزیکدان بود و دروس جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی نخوانده بود اما او به صورت میدانی تاریخچه لبنان را بازسازی و تفسیر کرده است. حدود ۶۰ سال از این کتاب می‌گذرد و هنوز هیچ دانشگاه ایرانی نتوانسته است در حوزه مردم‌شناسی و اتنوگرافی، کار میدانی در آن سطح انجام دهد و به ما بگوید که لبنان چیست». میری در تحلیل علل این وضعیت، ۲ دلیل را مطرح کرد: «اول، ساختار دانشگاه‌های ایران و پژوهشگاه‌ها که اساسا اجازه مطالعات میدانی نمی‌دهند. دوم، وجود پیش‌داوری شناختی نسبت به جهان عرب، لبنان و عراق. این پیش‌داوری در بین دانشگاهی‌ها و عدم دانستن زبان عربی به معنای دقیق (نه فقط به‌صورت قرآنی یا حدیثی) باعث شده ما بعد از ۶۰ سال هنوز از مصطفی چمران جلوتر نرفته و نتوانسته‌ایم جهان عرب و این محور را که امروز به آن محور مقاومت می‌گویند، به درستی بشناسیم».